

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۷ دسمبر ۲۰۲۱

طلاب قم با سر و سینه و شلوار چسبان بازیگران زن چه کار دارند!؟

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

حافظ

برخی رسانه‌های داخلی ایران از شکایت ۹ تشکل و نهاد مذهبی در قم از برخی بازیگران زن به دلیل پوشش آن‌ها و «ضررهای معنوی» وارد شده به شاکیان خبر داده‌اند. سایت‌های خبری ایران روز یکشنبه، ۲۸ آذر ضمن انتشار عکس شکایت‌نامه این طلاب، تعداد بازیگرانی را که از آن‌ها شکایت شده بدون ذکر نام، ۱۵ نفر اعلام کرده‌اند. این طلاب قم با طرح شکایت از تعدادی بازیگر زن در دادسرای عمومی و انقلاب استان قم به دلیل آن‌چه «وارد کردن زیان معنوی، تحلیل رفتن عقل، نقش بستن تصاویر جنسی در اذهان و محروم شدن از لذت انس با خدا» خوانده‌اند طلب خسارت کردند.

آن‌ها با مطرح کردن اتهام‌هایی مانند «وارد کردن زیان معنوی، تحلیل رفتن عقل، نقش بستن تصاویر جنسی در اذهان و محروم شدن از لذت انس با خدا» درخواست جبران ضررهای وارده به خود را کرده‌اند. این طلاب حوزوی قم، «معلوم بودن قسمتی از سر، سینه و گوش، استفاده از گل سر و کلاه لبه دار از جمله مصادیق بدحجابی» برشمرده‌اند.

از نظر این طلبه‌ها و عموماً آخوندها، زنان هنرپیشه با عدم رعایت حجاب خود، حواس آن‌ها را از عشق به خدا منحرف ساخته‌اند.

شاید توجیه طلبه‌ها این است که عاشق خدا هستند و به عنوان یک معشوق حقیقی فقط خدا را پرستش کنند اما این بازیگران زن با نشان دادن سر و سینه و... به عشق واقعی طلبه‌ها لطمه زده‌اند و آن‌ها را از معشوق واقعی‌شان، یعنی خدا دور کرده‌اند! به همین دلیل باید به این طلبه‌ها خسارت بپردازند.

در متن شکایت طلاب که تاریخ آن ۲۷ آذر ثبت شده، آمده است که این اقدام در پی «معلوم بودن مقداری از سینه، گردن و گوش‌ها، استفاده از کلاه لبه‌دار و وسایل تزئینی مانند گل سر به جای روسری، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و معلوم بودن برجستگی‌های بدن، پوشیدن شلوارک و شلوارهای پاره و ساپورت رنگ بدن، پوشیدن لباس‌های آستین‌کوتاه و مانند‌های شیشه‌ای» صورت گرفته است.

در ادامه این شکایت آمده است که این بازیگران با انتشار تصاویر خود در اینستاگرام و حضور در معابر و مجالس عمومی با این پوشش‌ها، به این طلاب، خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند «ضرر معنوی» وارد کرده و شاکیان خواستار جبران تمامی این ضررها شده‌اند.

در شکایت طلاب قم همچنین گفته شده نقش بستن تصاویر جنسی این زنان در اذهان در کنار پیامدهای اجتماعی موجب برخی آثار فردی از جمله «تحلیل رفتن عقل»، «محرومیت انس با خدا» و «تاثیرات منفی در روابط حسنه زن و شوهر» می‌شود.

اعتراض برخی مسؤولان، نمایندگان مجلس و تشکلهای و نهادهای مذهبی از موضوع حجاب به‌ویژه پوشش زنان بازیگر هر از چندگاه خبرساز می‌شود.

پیش‌تر نیز برخی از نمایندگان مجلس از روش کارگردانان ایرانی برای حل مشکل پوشش بازیگران زن مانند گذاشتن کلاه، کلامگیس و به‌کارگیری زنان غیر مسلمان انتقاد کرده بودند.

این اعتراض‌ها و شکایت‌ها در حالی رخ می‌دهد که رعایت «حجاب اسلامی» برای زنان در ایران «اجباری» است و بسیاری از آثار هنری در چند دهه گذشته، به دلیل نوع پوشش یا آرایش بازیگران زن، توسط نهادهای حکومتی و دولتی با سانسور یا توقیف مواجه شده‌اند.

با وجود رعایت پوشش اسلامی از سوی اکثریت زنان جامعه، تا چند سال پس از انقلاب ۵۷ در ایران، حجاب، اجباری نبود. اما پس از تصویب قانون مربوط به آن از سوی مجلس و تعیین مجازات در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۲، پوشش مورد تأیید حاکمیت در انظار عمومی از معابر و محل‌های کار گرفته تا رسانه‌ها اجباری شد.

شاکیان طلاب حوزوی قم هستند و در نهادهایی مانند «مجمع جهادی»، «تشکل فراگیر طلاب قم» و «مجمع فعالان امر به معروف» و چند موسسه و نهاد مشابه دیگر فعال هستند که قطعا بخشی از بودجه حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی و دیگر نهادهای قم چیز هم به آن‌ها می‌رسد.

سؤال مهم این است که چرا این طلاب با چنین دقت و حساسیتی از گل سر تا سینه و بناگوش سر و خلاصه تا مچ پای خانم‌های بازیگر را نگاه می‌کنند؟ چرا به صفحات شخصی این بازیگران در فضای مجازی هم سرک می‌کشید!



نه تنها این طلاب قم بلکه همه آخوندها و کلیت جمهوری اسلامی ایران متجاوز و دزد و زن‌سنیز و آزادی‌ستیز هستند.

دین و ایمان آن‌ها پول و پول و مفت‌خوری و شهوترانی است.

برای مثال اخیرا یک زن فلاکت‌زده را در مقابل چشمان دخترش دار زده‌اند.

هزارها نوشت یک زن زندانی که بامداد روز سه‌شنبه ۲۳ آذرماه ۱۴۰۰ در زندان آمل اعدام شده است. این زندانی پیش‌تر از بابت اتهام «مشارکت در قتل» به اعدام محکوم شده بود.

هرانا نوشت: «معصومه زارعی، متولد ۱۳۶۰ و مادر یک دختر ۲۱ ساله» است. خانم زارعی حدود ۷ سال پیش به اتهام «مشارکت در قتل» همسرش به اعدام محکوم شده و این حکم بامداد روز سه‌شنبه ۲۳ آذرماه در زندان آمل اجرا شد.

یک منبع نزدیک به خانواده در خصوص این پرونده به هرانا گفت: «خانم زارعی توسط همسرش که به مواد مخدر اعتیاد داشت مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت و همسرش با زنان دیگر نیز رابطه برقرار کرده بود. با این وجود معصومه زارعی به دلیل نداشتن حق طلاق امکان جدائی از همسرش را نداشت. شوهرش علنا می‌گفت: «طلاق نمی‌دهم، اجازه نمی‌دهم بچه را ببری، خودت هم حق نداری بروی»، تمام این‌ها نهایتاً منجر به وقوع این ماجرا شد.» به گفته یک منبع مطلع، خانم زارعی یک روز قبل از بند عمومی خارج و به دلیل عدم پیش‌بینی مکان لازم و نبود سلول انفرادی شب پیش از اجرای حکم را در دفتر پرسنل زندان در کنار پنج مامور زندان سپری کرده بود.

این منبع در خصوص جزئیات اجرای حکم به هرانا گفت: «معصومه زارعی را با دست‌بند و پابند ساعت ۶ صبح روز سه‌شنبه به قصد تلاش برای اخذ رضایت از اتاق پرسنل زندان خارج کردند و آخرین بار ساعت ۷:۳۰ صبح توسط همبندی‌هایش دیده شد. وی نهایتاً حدود ساعت ۸ در داخل ساختمان اداره زندان آمل اعدام شد. اجرای حکم در جایی بود که محل رفت و آمد و گذر است و به مدت حدود ۲۰ دقیقه بالای دار بود. پیش از اجرای حکم نیز حدود نیم ساعت در انتظار مامور زن از نیروی انتظامی برای اجرای حکم بودند و از فرط فشار روانی سه مرتبه به او آب قند دادند.» به گفته این منبع دختر ۲۱ ساله خانم زارعی که در این ۷ سال تنها ۴ بار موفق به ملاقات با مادرش شده بود، شاهد تمامی این اتفاقات بوده است.

به گفته یک منبع نزدیک به خانواده: «شاکی‌های خانم زارعی پدر و مادر همسرش بودند. اما دختر او مخالف اعدام مادرش بود. در این سال‌ها برای جلب رضایت پنهانی و به صورت تلفنی با مادرش صحبت می‌کرد و ملاقات نمی‌رفت. از حق قانونی‌اش برای اعتراض استفاده نکرد تا بتواند رضایت بگیرد. با این وجود شاکی‌ها با پرداخت تفاضل دیه بدون جلب رضایتش موفق به اجرای حکم شدند. خانم زارعی از یک ماه قبل از اعدامش با خبر بود و همین امر فشار روانی زیادی بر خودش و همبندی‌هایش آورده بود. بندی که از حدود یک ماه و نیم پیش به دلیل جدا کردن یک کودک شیرخوار از مادر زندانی‌اش تحت فشار روانی و در تلاطم بود.»

اعدام این زندانی توسط رسانه‌های داخل ایران و یا منابع رسمی اعلام نشده است. بر اساس گزارش مرکز آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در بازه زمانی (۸ اکتبر ۲۰۲۰ تا ۹ اکتبر ۲۰۲۱) دست‌کم ۲۶۶ شهروند اعدام شدند و ۹۰ تن دیگر به اعدام محکوم شدند. از جمله اعدام شدگان باید به اعدام ۳ کودک-مجرم اشاره کرد.

بنا بر همین گزارش بیش از ۸۲ درصد اعدام‌های صورت گرفته در ایران توسط دولت یا نهاد قضائی اطلاع رسانی نمی‌شوند که نهادهای حقوق بشری اصطلاحاً آن را اعدام «مخفیانه» می‌خوانند.

کم نیستند زنانی که به دلایل واهی دستگیر و زندانی شده‌اند. امیر رئیس‌یان، وکیل مدافع لیلا حسین‌زاده در توئیتر نوشت است: این فعال دانشجویی روز شنبه ۲۷ آذر ماه در تماسی با خانواده خود «با حال بد» اطلاع داده است که از زمان بازداشت به او اجازه تزریق داروهای حیاتی داده نشده است و در انتقال به تهران نیز توسط ماموران آسیب بدنی دیده است.

لیلا با خانواده تماس گرفته و «با حال بد» اطلاع داد: بازداشت‌کنندگان تا این ساعت، اجازه تزریق داروهای حیاتی‌اش را به او نداده‌اند و در جریان بازداشت شیراز و همین‌طور انتقال به تهران توسط مأمورین آسیب بدنی دیده و الان هم در بند ۲۰۹ اوین بازداشت هستند.

شوراهای صنفی دانشجویان کشور با انتشار اطلاعیه‌ای (یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰) در کانال تلگرامی خود ضمن تاکید دوباره بر غیرقابل پذیرش دانستن بازداشت لیلا حسین‌زاده و محکوم کردن آن، قویا اعلام کرد که عوارض ناشی از عدم مصرف داروهای ضروری‌اش مستقیما بر عهده نهادهای امنیتی، وزارت علوم و هیات رئیسه دانشگاه تهران است. این اطلاعیه هشدار داده است که چنانچه این رویه پایان پیدا نکند و کوچکترین آسیبی به این فعال صنفی برسد، دانشجویان فعال پاسخ متناسب را در میدان دانشگاه‌ها خواهند داد.

کم نیستند زنانی که به دلیل برابری طلبی و حق‌خواهی در زندان هستند. برای مثال سپیده قلیان این زن جوان و جسور که خود در زندان بوشهر زندنی بود پس از آزادی این زندان را «سیامچالی» توصیف کرده که «هرگونه سرپیچی و سرکشی از اوامر خشن و غیرانسانی ادارم‌کنندگان زندان برابر است با مجاله‌شدن بیش‌تر و بیش‌تر در این برزخ که نه صدائی به بیرون دارد و نه چهره‌ای.»

این زندانی سیاسی که یک سال پیش از زندان اوین به زندان عمومی بوشهر تبعید شده، نوشته که «زنان زندانی این بند به جرم زن بودن و زندانی بودن تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و ضدانسانی‌ترین شرایط ممکن نگهداری می‌شوند.» قلیان در این رشته توثیت به بیان شکنجه و رفتار غیرانسانی با پنج زن زندانی با اسامی مستعار پرداخته که چگونه مجبور به «ارائه خدمات جنسی و صیغه موقت» با «هماهنگی مسؤول بند» شده‌اند. به نوشته این فعال مدنی، «زنانی که از طرف خانواده حمایت مالی نمی‌شوند، نزد زندانی‌های مرد بند مالی» فرستاده و «صیغه موقت آن‌ها» می‌شوند.

در یکی از این توثیت‌ها آمده است: «هرکسی هم که اعتراض کند، تشدید شکنجه‌ها گمین‌اش را می‌کشد؛ تهدید به معاینه‌ی آلت تناسلی در برابر تمام پرسنل و زندانی‌ها، ضرب و شتم زندانی، قرنطینه زندانی، آوردن گارد و شکنجه و تعرض، قطعی تلفن، ملاقات و لغو مرخصی» می‌شوند...



پس از انقلاب ۱۳۵۷ اولین حملات حکومت تازه به قدرت رسیده و رهبر و بنیان‌گذار آن آیت‌الله خمینی علیه زنان با زمزمه‌های اجباری شدن پوشش اسلامی زنان در مکان‌ها و معابر عمومی ایران آغاز شد.

در روزنامه‌های سال ۱۳۵۷ نخستین زمزمه‌های لزوم پوشش اسلامی برای زنان ایران، در اسفند سال ۱۳۵۷، یعنی کمتر از یک ماه پس از انقلاب منتشر شد.

در حالی که کمتر از دو سال بعد، یعنی از ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ و پیش از فراگیر شدن حجاب اسلامی ورود زنان بی‌حجاب به ادارات دولتی نیز ممنوع شد، تا این‌که از ابتدای دهه شصت حفظ حجاب و پوشش اسلامی در ایران به شکل فراگیر همگانی و اجباری شد.

نخسین اظهار نظر درباره حجاب و پوشش اسلامی در اسفند ۱۳۵۷ از سوی خمینی مطرح شد. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ سخنرانی آیت‌الله خمینی که در مدرسه فیضیه قم و درباره حدود حجاب انجام شده بود، منتشر کرد. این گزارش کوتاه با تیتر «زن در اسلام، حق طلاق دارد» منتشر شد.

خمینی در این سخنرانی گفته بود: «زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند نه این‌که خودشان را بزک کنند. کار در ادارات ممنوع نیست اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند.»

خمینی همچنین در این سخنرانی گفت: «به من گزارش داده‌اند که در وزارتخانه‌ها زن‌های لخت هستند و این خلاف شرع است...»

در فردای روز ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ نیز روزنامه اطلاعات خبری را در صفحه یک خود منتشر کرد که تیتر آن بود: «نظر امام درباره حجاب زنان» بر اساس این خبر خمینی در یک سخنرانی دیگر در شهر قم گفته بود که زن‌های اسلامی عروسک نیستند و کار کردن آنان باید با حجاب اسلامی باشد.

اما هنوز یک روز از اظهار نظر خمینی درباره ضرورت حفظ حجاب در مکان‌های دولتی نگذشته بود که روزنامه اطلاعات تیتر یک شماره ۱۷ اسفند خود را به انعکاس سخنان او درباره حجاب اختصاص داد.

تیتر یک روزنامه اطلاعات در این روز این بود «انعکاس وسیع نظر امام در مورد حجاب اسلامی»

در صفحه نخست، روزنامه اطلاعات به نقل از شیخ شهاب‌الدین اشراقی داماد آیت‌الله خمینی و در پاسخ به این‌که برخی، با زنان بی‌حجاب برخورد‌های تنیدی می‌کنند و آیا نظر امام به این شدت است، نوشت: «باید قوانین اسلام مو به مو به قدر امکان اجرا بشود... معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست. خواست امام خمینی این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت شود و خانم‌ها رعایت حجاب اسلامی را بکنند... معنای این که خانم‌ها حجاب اسلامی داشته باشند، هیچ گونه تزویدی برای آن‌ها نیست. این یک حکمی است که رعایتش بر عهده خود خانم‌هاست.»

روزنامه اطلاعات در گزارش بلند ۱۷ اسفند خود خبر از برپائی تظاهرات اعتراضی علیه حجاب اجباری داد. این روزنامه نوشت که صبح روز هفدهم ابتدا در دانشکده فنی دانشگاه تهران و پس از آن در خیابان آزادی، کمیته برگزاری روز جهانی زن در اعتراض به حجاب اجباری مراسمی را برگزار کرد.

به گزارش روزنامه اطلاعات گردهمایی اعتراضی زنان با دخالت مدافعان حجاب اجباری به خشونت کشیده شد.

همچنین به نوشته این روزنامه در این روز بسیاری از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های تهران در مدارس و خیابان‌های پایتخت دست به اعتراض و راهپیمائی زدند.

روز شنبه و پس از اعتراض بسیاری از زنان در شهرهای بزرگ ایران روزنامه اطلاعات در شماره روز ۱۹ اسفند خود، اطلاعیه دفتر خمینی را منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده بود: «بر اساس خبرهای رسیده، گروه‌های جنایتکار و خیانت پیشه تحت عنوان کمیته، مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می‌کنند. ماموران کمیته‌های انقلاب موظفند با کمال دقت مراقب باشند و چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند...»

روزنامه اطلاعات همچنین در شماره روز ۱۹ اسفند خود خبر داد که صادق قطب‌زاده از نزدیکان آن هنگام آیت‌الله خمینی در یک سخنرانی در ساختمان رادیو تلویزیون گفته که «اسلام هیچ وقت در مورد حجاب به زور و تحمیل متوسل نمی‌شود و در اسلام اصلاً زور وجود ندارد. وظیفه اسلام ارشاد مردم از طریق توصیه و نصیحت است.» قطب‌زاده در سخنرانی خود گفت: «توصیه امام در مورد حجاب نه تنها یک مسأله فقهی که یک امر انقلابی است و زور در آن نیست... آن‌هایی که مزاحم زنان می‌شوند به اسلام و نهضت خیانت می‌کنند.»

به نوشته روزنامه اطلاعات پس از این واکنش‌های احتیاط‌آمیز به منتقدان حجاب اجباری، در صبح همین روز یعنی ۱۹ اسفند، زنان در دادگستری تهران تجمع اعتراض‌آمیزی علیه حجاب اجباری برگزار کردند که در ادامه جمعی از کارکنان زن رادیو تلویزیون ایران نیز به تجمع‌کنندگان پیوستند.

این تجمع نیز با دخالت عناصر تندرو موافق حجاب اجباری به درگیری کشیده شد. طرفداران حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی، مدافع حجاب شعار می‌دادند: «یا روسری، یا تو سری!»

به گزارش روزنامه اطلاعات در تجمع زنان مخالف حجاب اجباری، قطع‌نامه‌ای با ۸ بند صادر شد. در این بیانیه عنوان شد: «زنان هم وظایف اجتماعی خود را انجام می‌دهند و پوشش متعارف زنان باید با توجه به عرف و عادت به تشخیص خود آن‌ها واگذار شود.»

در این تجمع هما ناطق، استاد دانشگاه نیز بیانیه سازمان ملی دانشگاهیان را خواند که در آن آمده بود: «ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم...»

تیتیر یک روزنامه اطلاعات در ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ به نقل از آیت‌الله محمود طالقانی این بود: «در مورد حجاب اجبار در کار نیست.» به گزارش روزنامه اطلاعات طالقانی در گفت‌وگو با رادیو و تلویزیون ایران گفت: «حجاب اسلامی حجاب شخصیت و وقار است و هیچ اجباری هم در مورد آن در کار نیست. مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و هم خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... حجاب ساخته من و فقیه و این‌ها هم نیست، نص صریح قرآن است. آیهی حجاب برای شخصیت دادن به زنان است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه... اصل مسأله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسأله چادر هم نیست.»

از سوی دیگر، به گزارش روزنامه اطلاعات در این روز مهدی هادوی، دادستان کل انقلاب در بیانیه‌ای مزاحمان خانم‌های بی‌حجاب را ضدانقلاب دانست و مزاحمت برای آن‌ها را «مخالف منویات امام خمینی» اعلام کرد. همچنین آیت‌الله ربانی شیرازی در پیامی که در روزنامه اطلاعات «تاکید اسلام (بر حجاب) ناشی از ارزشی است که برای طبقه بانوان قائل شده... زنان در انتخاب نوع حجاب آزادند، از هرگونه ابزار خشونت نسبت به بانوان احتراز کنید.»

در روز ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ روزنامه اطلاعات با انتشار بیانیه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به نقل از این سازمان سیاسی نوشت که رفتار ضدانقلابی مرتجعان درباره زنان محکوم است.

روزنامه اطلاعات روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ در خبری با عنوان «نظر آیت‌الله طالقانی درباره حجاب صحیح است» نوشت که امام خمینی امروز در دیدار با خبرنگاران خارجی، در پاسخ به یک خبرنگار زن فرانسوی که درباره مسأله حجاب و اعتراض زنان ایرانی پرسید، پاسخ داد: «همان نظراتی که آقای آیت‌الله طالقانی فرمودند، مورد نظر من و صحیح است.»

در این روز صادق قطب‌زاده سرپرست رادیو و تلویزیون ملی، نیز به میان دختران دبیرستانی معترض به سانسور که مقابل ساختمان تلویزیون تجمع کرده بودند، رفت.

به گزارش روزنامه اطلاعات، قطب‌زاده در این تجمع گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم به اقلیت ظلم شود اما اجازه نمی‌دهیم اقلیت به دیگران که حجاب دارند تهمت‌هایی بزنند.»

او همچنین درباره پخش نشدن فیلم بانوان معترض به حجاب اجباری از تلویزیون گفت که فیلم‌ها برای نمایش آماده نبوده است. معترضین می‌گفتند تنها بخش کوتاهی از تجمع که در آن شعار «درد بر خمینی، سلام بر آزادی» بوده، از تلویزیون پخش شده است.

به گزارش روزنامه اطلاعات، در این روز همچنین قضات و وکلای زن دادگستری در بیانیهای از آیات عظام و دولت موقت مهدی بازرگان که «با درایت سیاسی و انقلابی خود» عدم اجباری بودن حجاب را اعلام کردند، تشکر کردند و مسأله تحمیل حجاب را پایان یافته تلقی کردند.

روزنامه اطلاعات در شماره ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ خود نوشت که گروهی از زنان در مخالفت با حجاب اجباری در دانشگاه تهران تجمع کردند. در مقابل هم عده‌ای از دانشجویان مسلمان به مخالفت با اجتماع زنان شعار می‌دادند.

در این برنامه زنان شاغل در اداره‌های مختلف و دانش‌آموزان دختر دبیرستانی حضور داشتند. این در حالی‌ست که به نوشته روزنامه اطلاعات مراسم راهپیمایی زنان در این روز در مخالفت با تحمیل حجاب که قرار بود از دانشگاه تهران به سمت میدان آزادی برگزار شود، لغو شد.

همچنین روز ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ در تبریز عده‌ای از راهپیمایی اعتراض‌آمیز دختران دانش‌آموز و دانشجو و زنان شاغل جلوگیری کردند و چند تیر هوائی شلیک شد و زنان نیز در خیابان متحصن شدند. به گزارش روزنامه اطلاعات در برخی دیگر از شهرهای ایران از جمله بندرعباس نیز بسیاری از دختران و زنان در مخالفت با حجاب اجباری راهپیمایی کردند.

اما روز چهارشنبه، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ روزنامه اطلاعات، خبر داد که سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانیهای اعلام کرده: «حجاب چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه... و ما مطمئنیم که خواهران و برادران انقلابی ما... این ضرورت را به بهترین وجه رعایت نموده و خواهند نمود؛ لذا هر موضع‌گیری خصمانه برای تحمیل جبری هر شکلی از حجاب بر زنان این میهن... نامعقول و نامقبول است...»

اما در همین روز و از دیگر سو زنان طرفدار حجاب اسلامی در تهران در اطلاعیه‌ای، زنان را به شرکت در یک گردهمایی در روز جمعه ۲۵ اسفند دعوت کردند. در این اطلاعیه آمده بود: «هموطن متعهد و مسلمان؛ به منظور دفاع از حجاب اسلامی و همچنین به خاطر تائید و تقدیر از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آقای صادق قطب‌زاده منتخب امام در برابر عناصر ناآگاه و عوامل ضدانقلاب در روز جمعه ۲۵ اسفند از ساعت دو بعد از ظهر در خیابان جام جم با شرکت خود در این گردهمایی رشد اخلاقی، مذهبی و تداوم روحیه انقلابی خود را نشان می‌دهیم.»

روز پنجشنبه ۲۴ اسفند ماه مهدی بازرگان، نخست وزیر ایران در پیامی تلویزیونی گفت: «می‌روند دایما پشت گوش آقا می‌خوانند که در وزارتخانه‌ها زن‌های لخت هستند و در کاخ‌های فرعون‌ی زندگی می‌کنند. این گرفتاری همیشه بوده، در این گیرودار گرفتاری‌ها و مسائل و مصائب چه موضوعات فرعی را پیش می‌کشند.»

«فرزانه تائیدی» بازیگر سرشناس سینما روز ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات گفت: «روز شنبه چند جوان ماجراجو با قیچی به من حمله کردند و قصد داشتند موی سرم را بتراشند. مردم به کمک من شتافتند و رهايم کردند. با توجه به این که من روسری هم به سر داشتم، معلوم‌ست که این عناصر قصد لطمه زدن به نهضت انقلابی داشتند و دولت باید شدیداً با چنین عواملی مبارزه کند.»

روز دوشنبه ۲۸ اسفند آیت‌الله مکارم شیرازی در مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، نوشت: «رهبر انقلاب یک حکم مسلم اسلامی را در شکل یک نصیحت بیان کرد... آن‌ها فکر می‌کردند سوژه خوبی به دست آورده‌اند، ناگهان به آن دامن زده و شروع به سم پاشی کردند. مسأله منحصر به حجاب نیست و ما در آینده نیز با این‌گونه صحنه‌های ضد انقلابی... روبرو هستیم... توسل به خشونت و اجبار و اکراه در مقررات اسلامی محکوم است... آن‌ها که با مقالات تحریک‌آمیز سعی می‌کردند این مسأله را بزرگ کنند، حداقل ناآگاهانه تحت تأثیر دشمنان قرار گرفتند...»

خمینی پس از اظهار نظر اسفند ۵۷ درباره لزوم رعایت حجاب و پوشش اسلامی تا تیر ماه ۱۳۵۹ دیگر موضع مشخصی اعلام نکرد. تا این که او در تیرماه ۱۳۵۹ در یک سخنرانی تند، از ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری وقت ایران خواست تا سریعاً ادارات دولتی را اسلامی کند.

بعد از این سخنان از صبح شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ ورود زنان بی‌حجاب به اداره‌های دولتی ممنوع شد. این سیاست تا سال ۱۳۶۱ تثبیت شد. سرانجام مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند که به موجب این قانون، هرکس در معابر عمومی حجاب را رعایت نمی‌کرد، به ۷۲ ضربه شلاق محکوم می‌شود. قانونی که هنوز هم در ایران پابرجاست.

شعارهایی همچون «آزادی جهانی است، نه شرقی نه غربی»، «در بهار آزادی، جای حق زن خالی»، «استبداد به هر شکل محکوم است»، «برابری، برابری، نه چادر و نه روسری» و...؛ شعارهای زنان در تجمع اولین هشت مارس پس از انقلاب ۵۷ بودند. قرار تجمع کاخ دادگستری بود اما با حمله حزب‌المی طرفدار حکومت، عده‌ای از زنان جلوی دانشگاه تهران جمع شدند. اما محل تجمع نهائی میدان توپخانه بود. همه به آن سمت حرکت کردند. از هر قشری در میان این زنان بودند. مردان هم بودند، اما دانش‌آموزان حضور پررنگی داشتند به حدی که وزیر آموزش و پرورش وقت وارد موضوع شد و در محل تجمع حضور پیدا کرد تا دانش‌آموزان را از حضور در تجمع زنان منصرف کند. حتی برخی زنان با حجاب هم کنار دیگر زنان شعار سر می‌دادند. نیروهای مرتجع چند بار به تجمع زنان حمله کردند. بعضی از آن‌ها هم اطراف ایستاده بودند و شعار می‌دادند: «یا روسری یا توسری»، «ای زن به تو از فاطمه این‌گونه خطاب است، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است».

یک روز قبل از هشت مارس، خمینی در مدرسه فیضیه از لزوم رعایت حجاب در ادارات سخن گفته بود. شهاب‌الدین اشراقی، داماد امام خمینی در مصاحبه‌ای به رعایت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها هم اشاره کرده بود. سایت تاریخ ایرانی در گزارشی که از ۱۷ اسفند سال ۵۷ نوشته از گزارش خبرنگار روزنامه اطلاعات قم آورده است که: «امام خمینی طی سخنانی در مدرسه فیضیه خطاب به طلاب علوم دینی گفت: «زن‌های اسلامی عروسک نیستند. زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند نه این که خودشان را بزک کنند.» امام افزود: «زن‌ها هنوز در ادارات با وضع پیشین کار می‌کنند، زن‌ها باید وضع خودشان را عوض کنند. البته کار در ادارات ممنوع نیست، اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند.» امام با بیان این که «به من گزارش داده‌اند که در وزارتخانه‌ها زن‌های لخت هستند و این خلاف شرع است»، تاکید کرد: «زن‌ها می‌توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند ولی با حجاب اسلامی.»

سخنان خمینی در جمع طلاب فیضیه قم انعکاس گسترده‌ای در تمام محافل و مجامع یافت و خصوصاً آن قسمت که درباره حجاب اسلامی بود، مورد شرح و تفسیر فراوان قرار گرفت. بنا به نوشته روزنامه اطلاعات، در پی سخنرانی امام که گفته بود «از فردا باید بانوان با حجاب اسلامی در وزارتخانه‌ها حاضر شوند»، عده‌ای تندرو با شدت عمل از بانوان بی‌حجاب و اقلیت‌های مذهبی خواستند که از فردا حتماً با چادر حاضر شوند والا با شدت عمل مواجه می‌شوند. شدت عمل این مرتجعین مذهبی به حدی بود که پونز به پیشانی زنان بی‌حجاب می‌زدند و گه‌گاه مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و آن‌ها را از محل‌های مختلف بیرون می‌کردند. به نوشته کیهان در راهپیمایی هشت مارس نیز عده‌ای از تندروها با سنگ به زنان معترض حمله کردند.

در یکی از مستنداتی که از این تجمع باقی مانده زن پیری که چادر به سر دارد می‌گوید: «ما حقوق مساوی می‌خواهیم با مردان، بچه‌ها مون درس خوندن می‌خوان آزاد باشن، این طوری باشه کافر می‌شن.» بخشی از جامعه تحت تاثیر روزهای بعد از انقلاب قرار گرفته بود. زن میان‌سالی که آن سال نوجوان بود می‌گوید: «همه تحت آن جو بودند. یادم

است مردم حمله کردند و شیشه خانه‌ی همسایه ما را که دو خواهر بی‌حجاب در آن زندگی می‌کردند را شکستند. کسانی هم بودند که اصلاً قبل از آن محجبه نبودند، بعد از آن هم نشدند اما در آن برهه به شدت حجاب داشتند.»

پوشش اجباری همچون برداشتن پوشش از سر زنان در زمان رضاشاه اعتراضات و مقاومت‌هایی را برانگیخت. چنین اعتراضات و مقاومت‌های برانگیخته در زمانی که یک ماه از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت بیانگر قدرت زنان انقلابی بود. در عین حال هنوز جو انقلابی تبدیل به سیستم جمهوری اسلامی نشده بود. برداشتن زوری حجاب از سر زنان و گذاشتن زوری حجاب بر سر زنان هر دو روی یک سکه‌اند و هر دو محکوم‌اند.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که جماعت آخوند مفت‌خور و متجاوز هستند و به زن نه به‌عنوان یک انسان، بلکه به عنوان کالا و برده جنسی نگاه می‌کنند. بنا به گفته آیت‌الله علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور طی نشست با سیدابوالحسن فیروزآبادی دبیر شورای عالی فضای مجازی ضمن ارائه برخی آمار مربوط به حوزه‌های علمیه، در اسفند ماه ۱۳۹۸ گفت: بالغ بر ۱۰۰ هزار طلبه در حوزه‌های علمیه مشغول تحصیل‌اند.

جالب است که هیچ‌کدام از طلبه‌ها و آخوند اعتراضی به فقر و بیکاری مردم ندارند. اخیراً مراد راهداری، استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور به آفتاب نیوز گفته است: «یکی از عوامل رشد بیکاری است. ۱۲ سال است که تولید واقعی ما رشد نکرده است، یعنی سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم و در این صورت یعنی خالص اشتغال ایجاد نشده است. وقتی می‌گوئیم سیاست‌گذاری حاکمان در همه کشورها و دولت‌ها نقش دارد، یعنی حاکمان در برابر بیکاری و تورم مسئولیت دارند و باید تلاش کنند که بیکاری و تورم را به صفر برسانند.

... ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند و حدود ۲۰ میلیون بیکار داریم.»

و می‌خوانند. آن‌ها هم جیب مردم را خالی می‌کنند و همه خزانه کشور را. آن‌ها دوست دارند همواره ناآگاهی بر جامعه حاکم باشد تا آن‌ها بهتر و راحت‌تر بتوانند هم جیب مردم را خالی کنند و هم آن‌ها را در کنترل حاکمیت خود داشته باشند. بی‌گمان ناآگاهی خطر بزرگی برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی است. بنابراین یکی از خطراتی که هر انقلابی را تهدید می‌کند عدم آگاهی است، که باید با آن مبارزه کرد. به عبارت دیگر آگاهی شرط نخست گام گذاشتن به عرصه مبارزه آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه است. و این امر با خودسازی آغاز می‌شود. از طریق خواندن و مطالعه و تجربیات اجتماعی خود و جوامع دیگر می‌توانیم اطلاعات‌مان را بروز کنیم. ولی نخست هر کس باید از خود و اطرافیانش شروع کند. ما باید بدانیم که تاریخ به عقب برنمی‌گردد و مسیرش خودش را رو به آینده طی می‌کند.

بدون شک در جامعه‌ای که زنان آزاد نباشند در آن جامعه هیچ‌کس آزاد نیست! در انقلابی که زنان در راس آن نباشند انقلاب موفق نخواهد شد. به خصوص جامعه ایران که خود تجربه انقلاب ۱۳۵۷ را نیز دارد طبیعتاً امروز عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر از دوران انقلاب ۵۷، ضرورت و اهمیت حیاتی مبارزه دوش به دوش زنان و مردان را حس می‌کند.

یکشنبه پنجم دی [جدی] ۱۴۰۰ - بیست و ششم دسمبر ۲۰۲۱